

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۵، ش ۴ (پیاپی ۴۰)، زمستان ۱۴۰۳

صص: ۲۹-۱۱

شاپا: ۸۴۸۷-۲۲۵۱

بررسی ویژگی‌های اخلاق اجتماعی از دیدگاه سعدی بر اساس قرآن و حدیث

دکتر امید انصاری کیا (نویسنده‌ی مسئول)

گروه زبان و ادبیات فارسی، مرکز یاسوج، دانشگاه پیام نور، یاسوج، ایران

دکتر علی جاوید

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، پردیس یاسوج، دانشگاه فرهنگیان، یاسوج، ایران

چکیده

کنش آموزش و پرورش در هر کشوری نیازمند کارکنانی با تجربه و توانمند است. با توجه به اینکه در آموزه‌های اسلامی، ویژگی‌های کارکنان و خصایص آنها بیان شده است، هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت اخلاق کار اسلامی کارکنان از دیدگاه سعدی بر اساس قرآن و حدیث است. تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی و با روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است. برای گردآوری اطلاعات، آیات و روایات مرتبط با موضوع، در آثار سعدی مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر که به اصول، ابعاد، فواید و مدیریت، نظریه‌ها و آثار اخلاق اسلامی در قرآن و ادبیات تعلیمی پرداخته ایم؛ با نقد و بررسی همه‌جوانب اخلاق، بحث عدالت، مدارا، تواضع، سعه صدر، تقوا، تعاون چشمگیرتر و نمود آن‌ها در ادبیات آشکارتر بود.

واژگان کلیدی: اخلاق اجتماعی، کارکنان، حدیث، قرآن و سعدی (مجموعه آثار)

۱- مقدمه

یکی از مسائل مهم بشر در تمام طول تاریخ، تعلیم و تربیت نسل جوان و آماده سازی برای ورود به جامعه بوده است. همواره یکی از نظام های مهم هر کشوری، نظام آموزش و پرورش آن است که رسالت انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل های بعد و ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت آنان را بر عهده دارد. در مدارس، معلمان وظیفه تعلیم و تربیت دانش آموزان را برعهده دارند. آنچه به کلاس درس در نظام آموزشی، روح و هویت می دهد، توانمندی ها و قابلیت های معلمان است که در قالب شیوه ها و روش های تدریس خود را نشان می دهد. درنتیجه تربیت معلمانی شایسته و توانمند برای تحقق اهداف آموزشی هر کشور بسیار ضروری و با اهمیت است. بر همین اساس همان طور که یک ساختمان بلند برای استحکام خود نیاز به پی محکم دارد تا بر آن استوار گردد، بنای تعلیم و تربیت در یک جامعه نیز باید بر پایه های محکم بنا شود تا دوام و بقای آن تضمین گردد؛ و چه مبنایی مستحکم تر از مبنای عمیق و اصیل مکتب جامع اسلام که با مبنای عقلی سازگار است و ریشه در یافته های علمی معتبر دارد (اطهری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۹). مکتب اسلام برای تعلیم و تربیت جایگاه ی والا قائل است. در میان همه عوامل تربیتی، نقش معلم به عنوان مهمترین عامل نظام تعلیم و تربیت، در چگونگی هدایت و یادگیری فراگیران بسیار بارز و قابل توجه است. معلم متعهد با صاحبان مشاغل دیگر متفاوت است. او به فراگیران تنها اطلاعات انتقال نمی دهد، بلکه آموزگار الگوی آنان و مسئول پرورش استعدادهای علمی و معنوی آنان است. نهضت تربیتی اسلام در عرصه تدریس و تعلیم، به ساختن معلمان شایسته، خلاق و برخوردار از فضیلت توجه نموده است. از دیدگاه تعلیم دینی، جایگاه معلمی در نظام اسلام، منصبی الهی است و معلم عهده دار مسئولیت های الهی و در پی تحقق آنهاست (مشایخی پور، ۱۳۹۰: ۳۷).

مصدق جامع مربیان حقیقی و پرورش دهندگان نهال وجودی انسان، پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) و انبیاء و اولیای الهی هستند که الگوی اصیل تربیتی برای همه معلمان به شمار می آیند. پیامبران، معلمان جامعه بودند و برای رشد معنوی و تزکیه روحی جامعه تلاش می کردند. در قرآن کریم به آیاتی برمی خوریم که خداوند خود را به عنوان نخستین آموزگار بشر معرفی کرده است، گاه علم اسماء را می آموزد «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» سپس علم اسما را همگی به آدم آموخت. و گاه به نوع انسان آنچه را نمیداند از طریق تکوین و تشریع [بخشی را به صورت علوم فطری در نهادش آفرید، و بخش دیگری را به وسیله عقل و تدبیر در عالم آفرینش و بخش سومی را به وسیله انبیاء می آموزد. عِلْمُ الْإِنْسَانِ مَا لَمْ يَعْلَمْ و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد. گاه به او نوشتن می آموزد: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» همان

کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود.

قرآن روش‌های خاصی را برای تعلیم انسان‌ها بیان می‌کند که می‌توان از آن برای آموزش و تدریس دانش‌ها و علوم مختلف بهره برد. بنابراین شایسته است ویژگی‌ها و روش پیامبران الهی و بندگان برگزیده خداوند به عنوان الگوهایی کامل و قابل اقتدا در تمام ابعاد زندگی به ویژه امر تربیت انسان‌ها که در آیات قرآن و روایات معصومان (ع) به آنها اشاره شده است بررسی شود. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بیشتر انسان‌های موفق، کامیابی خود را مدیون معلمان خود می‌دانند و نیز افرادی هستند که سرخوردگی و شکست‌های زندگی‌شان، ناشی از برخورد بد معلمان است. برای نیل به موفقیت، و نفوذ در شاگردان، باید روش‌های تعلیم و تربیت، چه آنهایی که علم به آن رسیده و چه آنهایی که علم هنوز به آنها نرسیده ولی در کتاب‌های اخلاقی و روایی ادیان آمده است - را مدنظر قرار داد. با توجه به این مهم، معلم برای ارتباط برقرار کردن و نفوذ در شاگردان و در نتیجه، تأثیرگذاری بر آنها باید به تقویت دو حوزه در خود بپردازد. این دو حوزه عبارتند از: ۱ - حوزه اخلاقی و تربیتی ۲ - حوزه دانش و مهارتهای تدریس. هر یک از این دو حوزه، درصدی از موفقیت را در ارتباط برقرار کردن و نفوذ در دانش‌آموزان دربر دارد. اهتمام جدی به رعایت و تقویت این دو حوزه به انسان در پیشبرد اهدافش کمک می‌کند. البته شاید نتوان این دو حوزه را دورنمای همه عوامل نفوذ دانست اما می‌توان گفت که اکثر این عوامل را شامل می‌شود. ازاینرو چهارچوب نظری این پژوهش آن است تا صفات و ویژگی‌های اخلاق معلمی و خصوصیات الزم تدریس معلم که معلمان باید در حین تدریس رعایت کنند را از دیدگاه آیات و روایات موردبررسی قرار دهد. اخلاق در همه جوامع بشری پایه خود را از مکتب و ایدئولوژی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه خود می‌گیرد. ازجمله مکتب‌هایی که اخلاق را مهم تلقی کرده و اندوخته‌های گران‌بهای از آیات و روایات و نمونه‌های تاریخی فراوان از خود به یادگار گذاشته دین مبین اسلام است.

یکی از علل بذل توجه و گسترش تحقیقات در حوزه اخلاق و به خصوص اخلاق کار، پیچیده تر شدن روزافزون سازمان‌ها و افزایش میزان کارهای غیراخلاقی، غیرقانونی، و غیرمسئولانه در محیط‌های کاری است (شریف زاده، ۱۳۹۱: ۲۸). عدم توجه به اخلاق در مدیریت سازمان‌ها می‌تواند معضلات بزرگی برای سازمان‌ها بوجود آورد. اخلاق کار عبارتست از مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی سخت‌کوشی و صداقت در کارها و همچنین عبارتست از: فایده اخلاقی و قابلیت تعالی شخصیت در کار؛ اخلاق کاری شامل قابل اعتمادبودن، با انگیزه بودن و داشتن مهارت‌های اجتماعی نیز می‌گردد (حسین زاده و تقی زاده، ۱۳۹۸: ۳۱۰). اخلاق کار در همه شرکت‌ها و سازمان‌ها مورد نیاز است و در طولانی

مدت باعث افزایش اعتبار، رضایت و تعهد بیشتر کارکنان نسبت به سازمان شان می‌گردد. اخلاق کار و پیوند آن با تعهد سازمانی و همچنین متغیرهای فردی، توجه قابل ملاحظه‌ای را در نوشتارها و پژوهش‌های مدیریتی به خود جلب کرده است.

۱-۱- پیشینه پژوهش

مجموعه آثاری که در قالب کتاب و مقاله درباره اخلاق اجتماعی در آثار سعدی انجام گرفته است: کتاب‌ها: معیارهای اخلاقی در دیدگاه سعدی اثر ناشومی شیمیزو (۱۳۹۰)، اخلاق سعدی اثر الله قلی رحیمی بهمن یاری (۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی و مفاهیم اخلاقی در اندیشه سعدی اثر (۱۴۰۱)، مقالات: نگاهی به آموزه‌های اخلاقی در غزلیات سعدی توسط عبدالرضا مدرس زاده و بنفشه سادات صفوی (۱۳۹۰)، اصول اخلاقی اجتماعی در بوستان سعدی توسط فاطمه عظمت مدار، رضاعلی نوروزی و حسنعلی بختیار نصرآبادی (۱۳۹۲)، بررسی مضامین مشترک اخلاقی و حکمی در نهج البلاغه و بوستان سعدی توسط محمد آرتا و الیاس (۱۳۹۴)، رفتارشناسی اخلاقی نمودهای اجتماعی دین از نظر سعدی با تکیه بر گلستان توسط مرتضی حاجی مزدرانی و حامد موسوی جروکانی (۱۳۹۴).

۱-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش

تأثیرپذیری علوم قرآنی بر متون تعلیمی و بررسی وجوه مشترک اخلاقی و تربیتی علوم قرآنی بر ادبیات فارسی دو تا از ضرورت‌های انجام پژوهش حاضر است.

۱-۳- سؤالات پژوهش

۱- علوم قرآنی بیشتر در چه زمینه‌هایی بر متون تعلیمی ما (ادبیات) تأثیر گذاشته است؟ ۲- اشتراکات و افتراقات مباحث تعلیمی (تربیتی - اخلاقی) از منظر قرآن و ادبیات چیست؟

۲- بحث و بررسی

۲-۱- معنا و مفهوم اخلاق

اخلاق، مطالعه انتخاب درست و غلط ساخته شده توسط یک فرد است. اخلاق می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای ارزش‌های اخلاقی که احساس بین اعمال درست و نادرست را مشخص می‌کند، تعریف شود (مسعودی، ۱۳۹۶: ۳۷).

۲-۲- تعاریفی از اخلاق کار

اخلاق کار می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از باورها و نگرش تعریف کرد که منعکس‌کننده ارزش‌های اساسی کار باشد (میلر، ۱۴۰۰: ۶۷).

اخلاق کار اسلامی را به عنوان مجموعه ای از اصول اخلاقی که حق را از نادرست در چارچوب اسلامی تشخیص می دهد تعریف می کند. اخلاق کار در لغت نامه دهخدا به معنای «خلق و خوی، علم معاشرت، قواعد و دستور رفتار انسانی» آورده شده است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۴). در تعریفی دیگر از اخلاق کار چنین آمده است: «اخلاق کار، متعهد شدن توان ذهنی، روانی و جسمانی فرد یا گروه به اندیشه جمعی در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو است. اخلاق کار به حوزه ای از فرهنگ گفته می شود که عقاید و ارزش های مربوط به کار را در بر می گیرد و قابل شناسایی است» (معیدفر، ۱۳۸۱: ۳۲۱). اخلاق کار عبارتست از مجموعه ای از ارزش های اخلاقی سخت کوشی و صداقت در کارها و همچنین عبارتست از: فایده اخلاقی و قابلیت تعالی شخصیت در کار؛ اخلاق کاری شامل قابل اعتمادبودن، با انگیزه بودن و داشتن مهارت های اجتماعی نیز می گردد (حسین زاده و تقی زاده، ۱۳۹۸: ۴۷). اخلاق کار عبارت است از مجموعه ای از ارزش های درونی و کدهای رفتاری در محل کار، این ارزش ها شامل انجام کار سخت، خود مختاری، آزادی استفاده بهینه از زمان و رعایت ارزش های اساسی شغل می باشد. بنابراین افرادی که این ارزش ها را رعایت می کنند. دارای اخلاق کار نیکو و افرادی که آنها را رعایت نکنند دارای اخلاق کار ضعیف می باشند.

۲-۱- تعاریفی از اخلاق کار

مدارا در لغت عبارت است از: «برخورد ملایم یا نرم خویی در رفتار» بنابراین می توان دریافت که در مقابل مدارا، خشونت و تندی قرار دارد؛ چنانکه این معنا در مقابل واژه رفق نیز وجود دارد، از اینرو مدارا را باید اینگونه تعریف نمود: «نرم خویی و ملاطفت در برخورد و رفتار غیرخشونت آمیز و غیردهشت آور».

نکند جور پیشه سلطانی / که نیاید ز گرگ چوپانی پادشاهی که طرح ظلم افکند / پای دیوار ملک خویش بکند

پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیردست / دوست دارش روز سختی دشمن زورآورست با رعیت صلح کن وز جنگ خصم ایمن نشین / زانکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکر است (سعدی، ۱۳۹۳: ۶۴). ای زیردست زیر دست آزار / گرم تا کی بماند این بازار / به چه کار آیدت این جهانداری / مردنت به که مردم آزاری (سعدی، ۱۳۹۳: ۶۷). دعای منت کی شود سودمند / اسیران محتاج در چاه و بند / تو ناکرده بر خلق بخشایشی / کجا بینی از دولت آسایشی / کجا دست گیرد دعای ویت / دعای ستمدیدگان در بیت (سعدی، ۱۳۹۳: ۸۷).

۲-۲- خودشناسی

خودشناسی، والاترین و ارجمندترین فضیلت آدمی و در عین حال، مقدمه و زمینه بروز

بسیاری از فضایل دیگر انسانی نظیر تواضع، گذشت، انصاف و به ویژه مداراست: نبیند مدعی جز خویشتن را / که دارد پردهٔ پندار در پیش / گرت چشم خدایینی ببخشند / نبینی هیچ کس عاجزتر از خویش (سعدی، ۱۳۹۳: ۴۴). یکی را زشت خویی داد دشنام / تحمل کرد و گفت ای نیک فرجام / بتر زانم که خواهی گفتن آنی / که دانم عیب من چون من ندانی (سعدی، ۱۳۹۳: ۹۰).

سعدی، در باب هشتم گلستان، آدمی را از خطر گرفتار شدن در دام چاپلوسانی که از باب طمع و نفع طلبی، زبان به مدح دیگران می‌گشایند، برحذر می‌دارد و احمقی را که فریفتهٔ چرب‌زبانی متملقان گردد، به لاشهٔ گوسفند ذبح شده‌ای تشبیه می‌کند که بر اثر دمیدن باد در آن، فربه به نظر می‌رسد؛ غافل از آن که این فربه سازی به منظور آن است که پوست حیوان آسان‌ترکننده شود: فریب دشمن مخور و غرور مداح مخر که این دام زرق نهاده است و آن دامن طمع گشاده. احمق را ستایش خوش‌آید، چون لاشه که در کعبش دمی فربه نماید (سعدی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

در جای دیگری از بوستان (باب ششم، بیت های ۲۷۵۰ - ۲۷۳۹) سعدی ضمن حکایتی کوتاه، از اعتراض پسری به پدر خود یاد می‌کند که بر اثر طمع‌ورزی و از فرط چاپلوسی، در برابر خوارزمشاه به خاک افتاده است و روی بر زمین می‌ساید. پسر با طنزی گزنده، خطاب به پدرش می‌گوید: چه شده است که به جای نمازگزاردن به سوی قبلهٔ واقعی (= حجاز) قبلهٔ دیگری را برگزیده‌ای؟ نگفتی که قبله‌ست راه حجاز / چرا کردی امروز از این سو نماز؟ در بخش قطعات نیز سعدی را در مذمت تملق سروده‌هایی بس نغز و آموزنده است: مباحث غره به گفتار مداح طماع / که دام مکر نهاد از برای صید نصیب / امیر ظالم جاهل که خون خلق خورد / چگونه عالم و عادل شود به قول خطیب؟ (سعدی، ۱۳۹۷: ۸۲۶).

۲-۲-۳- عدالت‌پیشگی

والا ترین ارزش و آرمان برای رستگاری انسان، عدالت است و همهٔ کوشش‌ها، وسیله ای برای تحقق این امر است. ارزش‌هایی همچون آزادی و برابری، ارزش‌هایی هستند که عدالت، هم لازم و هم ملزوم آنها است و اگر آزادی و برابری به عدالت منتهی نشوند، ارزشی نخواهند داشت. در قرآن، بر عدل و انصاف تأکید زیادی شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَاقْسُطُوا ان الله يحب المقسطین» (حجرات، ۹) و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد (حجتی، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

دلیر آدمی سعدیا در سخن / چو تیغت به دست است فتحی بکن / بگو آنچه دانی که حق گفته به / نه رشوت ستانی و نه عشو ده / طمع بند و دفتر ز حکمت مشوی / طمع بگسل و هر چه دانی بگوی (سعدی، ۱۳۹۱: ۳۵).

سعدی، در بوستان شاهان را از ستم بازمی دارد و می گوید: «هلاک کردن مردم به ظلم و ستم شایسته نیست، زیرا آنان پاسدار و پشتیبان ملک هستند» (جانبانی، ۱۳۸۷: ۳۲). رعیت شاید به بیداد کشت / که مر سلطنت را پناهند و پشت (سعدی، ۱۳۹۱: ۶۷). سعدی، نشان می دهد که در رعایت اخلاق اجتماعی مسامحه را به حاشیه می راند و برای برپایی عدالت، در تاختن بر پادشاه نیز ابایی ندارد، می ترسد و می ترساند.

سعدی در سیرت پادشاهان از زبان وزیر دانشمند، زوال دولت ضحاک و چیره دستی فریدون را در مجلس پادشاه نقل می کند تا پادشاه را از جور و بی عدالتی بر مردمش آگاه نماید: «توان دانستن که وزیر ملک را پرسید هی فریدون که گنج و ملک و حشم نداشت چگونه برو مملکت مقرر شد گفت: آن چنان که شنیدی خلقی برو به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت، گفت: ای ملک چو گرد آمدن خلقی، موجب پادشاهیست تو مر خلق را پریشان برای چه می کنی؟ مگر سر پادشاهی کردن نداری؟» (سعدی، ۱۳۹۳: ۴۰).

در این حکایت تعارف، تحایر و کنایه، کنار می رود و آشکارا به پادشاه می گوید: اینگونه رفتار با مردم و رعیت زبردست مقبول بزرگان نبوده و دیری نخواهد پایید که خلقی بر تر و خواهند تاخت: پادشاهی که طرح ظلم افکند / پای دیوار ملک خویش بکند و پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیر دست / دوستدارش روز سختی دشمن زور آورست / با رعیت صلح کن وز جنگ خصم ایمن نشو / زآنکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکر است (سعدی، ۱۳۹۳: ۵۶). الف: سعدی، عدالت را برابر با تقوی دانسته است. شاه نیز اگر مدبر و عاقل است، باید رعایا و لشکریان خود را پاسبانی و تدبیر نماید. سعدی از قول چوپان به شاه می گوید: مرا گله بانی به عقل است و رأی / تو هم گله خویش باری بپا / در آن تخت و ملک از خلل غم بود / که تدبیر شاه از شبان کم بود (سعدی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، داد دادن است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۱۳).

در قرآن مجید، ضمن اینکه در آیات فراوانی کلمه عدل به معنای مشهور به کار رفته است «وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَّآ يَخْأَ مِنْهَا» (انعام، ۴).

ب: متداول ترین تعریف سعدی از عدالت، توزیعی بودن آن است. این شاهد شعری این مدعا را اثبات می کند. به عقلش بیاید نخست آزمود / به قدر هنر پایگاهش فزود / نه هر کس سزاوار باشد به مال / یکی مال خواهد یکی گوشمال جفا پیشگان را بده سر به باد / ستم بر ستم پیشه عدل است و داد (سعدی، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

سعدی، پادشاه را به اعتدال در درستی و نرمی با رعیت فرا می خواند و می نویسد: «نه چندان درستی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند پادشاه باید

تا به حدّی خشم بر دشمنان نراند که دوستان را اعتماد نماند» (سعدی، ۱۳۹۳: ۲۴۰)، وجود تو شهریست پر نیک و بد / تو سلطان دستور دانا خرد/ رضا و ورع‌نیک‌نامان حر / هوی و هوس رهن و کیسه‌بر (سعدی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). سعدی در همین مضمون در بوستان می‌گوید: تو کی بشنوی ناله‌ دادخواه / به کیوان برت کله خوابگاه / چنان خسب کاید فغانت به گوش / اگر دادخواهی برآرد خروش (سعدی، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

ظرفیت افراد بر اساس توانایی هایشان: «پادشاه صاحب‌نظر باید، تا در استحقاق همگنان به تأمل نظر فرماید؛ پس هر یک را به قدر خویش دلداری کند» (سعدی، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

ج: عدالت به معنای حد و حریم شناسی

این مقصود از عدالت در آثار سعدی به خوبی مشهود است: مگوی و منه تا توانی قدم / از اندازه بیرون و زانده کم (سعدی، ۱۳۹۱: ۲۱۱).

د: عدالت به معنای خردگرایی

سعدی نگاهی دیگرگون به عدالت دارد و افسار زمامداری به دست کسانی شایسته می‌داند که خرد را محترم می‌دارند. وجود تو شهریست پر نیک و بد / تو سلطان دستور دانا خرد / رضا و ورع‌نیک‌نامان حر / هوی و هوس رهن و کیسه‌بر (سعدی، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

۲-۲-۴- تواضع و فروتنی

تواضع، کشتزاری است که در آن گل‌های زیبا و معطر برادری، صفا، مهر و محبت می‌روید و موجب عظمت، قدرت و کرامت انسانی می‌شود و نخل وجود آدمی را از طوفان نفس‌آماره و تندباد غرور و تکبر، مصون می‌دارد. یکی از نکاتی که برای معلم، الزم است و حکایت از شخصیت سالم او دارد، داشتن رفتار صحیح در برخورد با یادگیرنده است؛ رعایت احترام متعلم و برخورد متواضعانه با او، درس عملی مهمی است که معلم به یادگیرنده می‌دهد (حجتی، ۱۳۹۶: ۳۴۱).

یکی قطره باران ز ابری چکید / خجل شد چو پهنای دریا بدید / که جایی که دریاست من کیستم؟ / گر او هست حقا که من نیستم / چو خود را به چشم حقارت بدید / صدف در کنارش به جان پرورید / سپهرش به جایی رسانید کار / که شد نامور لؤلؤ شاهوار / بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد / تواضع کند هوشمند گزین / نه‌د شاخ پر میوه سر بر زمین (سعدی، ۱۳۹۱: ۴۱۱). خواهی از دشمن نادان که گزندت نرسد / رفق پیش آر و مدارا و تواضع کن و جود / کهن سخت که بر سنگ صلابت راند / نتواند که لطافت نکند با داود (سعدی، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

۲-۲-۵- صداقت و راستگویی

صداقت و راستگویی از بزرگترین فضایل اخلاقی است که در تعلیم و آموزه‌های دینی

جایگاهی ویژه دارد و در قرآن و روایات به آن سفارش شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ* (اعراف، ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده اید از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و با صادقان باشید. این فضیلت انسانی - اخلاقی بارزترین مشخصه پیامبران الهی در دعوت مردم به سوی خدا بوده است. با توجه به مطالب فوق، اگر از معلم سؤالی شد که پاسخ آن را نمی‌داند و یا در ضمن تدریس به نقطه‌ای رسید که آن را نمی‌داند، باید بدون اضطراب و زبان بازی و ظاهر سازی بگوید: نمی‌دانم؛ یا بگوید: به حقیقت این مطلب نرسیده‌ام؛ یا بگوید: این مطلب بماند تا دقت بیشتری در آن بکنم؛ و این خود از علم عالم است که وقتی چیزی را نمی‌داند، بگوید: من نمی‌دانم و خداوند داناتر است.

گر راست سخن گویی و در بند بمانی / به زآن که دروغت دهد از بند رهایی (سعدی، ۱۳۹۳: ۳۰۱).

یکی را که عادت بود راستی / خطایی رود در گذارند از او / و گر نامور شد به قول دروغ / دگر راست باور ندارند از او (سعدی، ۱۳۹۳: ۳۰۷).

دروغ گفتن، به ضربت لازم ماند که اگر نیز جراحت درست شود، نشان بماند. چون برادران یوسف که به دروغی موسوم شدند نیز به راست گفتن ایشان اعتماد نماند. *قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا* (یوسف، ۸۳).

اگرچه به راستی و صداقت تأکید می‌ورزد اما در جایی هم «دروغ مصلحتی» را بر «راست فتنه انگیز» ترجیح می‌دهد:

جز راست نباید گفت / اما هر راست نشاید گفت (سعدی، ۱۳۹۱: ۷۸).

۲-۲-۶- هماهنگی گفتار و کردار

یکی از اساسی‌ترین اصول و شرایط هر کسی، مطابقت گفتار و کردار است. معلم، باید توجه داشته باشد که میان رفتار و کردارش با گفتارش وحدت و همبستگی وجود داشته باشد. خداوند متعال در مقام سرزنش مردمی که به علم و آگاهی خود عمل نمی‌کنند چنین می‌فرماید: *أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ* (بقره، ۴۴) آیا مردم را به نیکی و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید. گفتار چه کسی بهتر است از آن‌کس که دعوت به سوی خدا و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمین هستم. در حقیقت این آیه رمز نفوذ مربی و معلم را در این می‌داند که بین گفتار و رفتار او هماهنگی وجود داشته باشد. همچنین باید در تمام زوایای زندگی چنین فردی، ارزش‌های اسلامی و دینی‌اش جلوه‌گر باشد و عملش تنها در راه خدا باشد و درس عملی به دیگران بدهد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۸۹).

سعدی می‌فرماید: سعدیا گرچه سخندان و مصالح‌گویی / به عمل کار برآید به سخندانی نیست (سعدی، ۱۳۹۳: ۸۳).

۲-۲-۷- سعه صدر

شکیبایی و داشتن سعه صدر، از دیگر خصوصیات هدایت‌گران و معلمان است. تعلیم و تربیت، کار آسانی نیست، مسئولیتی بس دشوار است که هرکس توان پذیرفتن آن را ندارد. کار آموزش، صبر، تحمل و شرح صدر می‌خواهد، یعنی ظرفیت روحی بسیار بلند و تحمل بسیار زیاد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: من ضاق صدره لم یصبر علی أداء حق (جعفری، ۱۳۹۷: ۱۲۶). هر کس ضیق صدر داشته باشد، ادای حق را برنمی‌تابد. در مجموع، کسانی که شرح صدر ندارند، بر خود تسلط ندارند و هنگام سخن گفتن دچار لکنت زبان می‌شوند و نمی‌توانند واژه‌های مناسب به کارگیرند. با سلاح شرح صدر است که می‌توان حقایق را به دیگران فهماند و زمینه هدایت و تربیت دیگران را فراهم ساخت. تجربه ثابت کرده است که معلمان و مربیانی که از نظر روحی کم ظرفیت هستند و شرح صدر ندارند، با دیدن کوچکترین حرکات زننده‌ای از دانش‌آموزان، زود عصبانی می‌شوند و با جدال و بگو و مگوهای غیرضروری، افزون بر هدر دادن وقت کلاس و توان دانش‌آموزان، سبب افزایش جسارت دانش‌آموز خطاکار می‌شوند. از سوی دیگر، خود معلم نیز، تمرکز و توان کافی برای ادامه تدریس را از دست می‌دهد، درحالی‌که می‌توانست با اندکی شرح صدر، مشکل را هم برای خود و هم برای دیگران، آسان کند (صادقی و اشرفی، ۱۳۹۵: ۴۷)؛ بنابراین، مربی باید در برابر ناملایمات از خود پایداری نشان دهد و مراقب رفتار و خشم خود باشد. گاهی از او اعمالی از روی غیظ و غضب سرزند و او خشم و غضب خود را بر سر متربیان خالی نکند؛ که این رفتار خشم‌آلود او، متربیان را از محیط مدرسه و تحصیل دلسرد می‌کند و موجب تنفر و ایجاد عقده روانی در متربیان می‌شود و از مربی و معلم و اولیاء برای مدت طولانی، یا شاید برای همیشه فاصله می‌گیرد، و این با اصل تربیت و پرورش سازگار نیست و انسان را از اهداف تعلیم و تربیت دور می‌سازد (اطهری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۱). ای که مشتاق منزلی، مشتاق / پند من کار بند و صبر آموز / اسب تازی، دو تک رود به شتاب / و اُشتر آهسته می‌رود شب و روز / به چشم خویش دیدم در بیابان / که آهسته سبق برد از شتابان / سمند باد پای از تک فروماند / شتربان همچنان آهسته می‌راند (سعدی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). سعدی، تأکید می‌کند که انسان صابر به مقصد می‌رسد و فرد عجول از پای در می‌آید و هرگز به مقصد نمی‌رسد شاید این موضوع که در باور عامه ریشه دارد و می‌گویند «عجله کار شیطان است»، بی ارتباط با این مطلب نیست. شنیدم که شخصی در آن انجمن بگفتا چنین نیست یا بالاحسن / نرنجید از او حیدر نامجوی

/ بگفت ار توانی از این به بگوی / بگفت آن چه دانست و بایسته گفت به گل چشمه
خور نشاید نهفت / پسندید از او شاه مردان جواب / که من بر خطا بودم او بر صواب
/ به از ما سخن‌گوی دانا یکی است که بالاتر از علم او علم نیست / گر امروز بودی
خداوند جاه / نکردی خود از کبر دروی نگاه (سعدی، ۱۳۹۱: ۲۰۳). «از نشانه‌های سعه
صدر، آن است که انسان تحمل شنیدن سخنان مخالفان را داشته باشد و هرگز عقل خود را
کامل تصور نکند و سخنان درست و منطقی را حتی از مخالفان خویش پذیرا باشد و البته
سعه صدر در مقام تعلیم و تربیت، کار بسیار دشواری است که به راستی ریاضت می‌طلبد
و تا کسی خود در جایگاه معلمی قرار نگیرد، چنین مسئولیتی را درک نمی‌کند» (جابانی،
۱۳۸۷: ۷۵).

کاووس حسن لی، در کتاب پیام اهل دل، اندیشه‌های اجتماعی و اخلاقی سعدی
می‌نویسد «واژه شکیبایی» یا همان «صبر»، جایگاه ویژه‌ای در بین ما ایرانیان دارد به طوری
که: «درآموزه‌های قرآنی و دینی ما قرین حق و زیبایی» است و در ادبیات‌مان با تعبیری
چون «کیمیای بی‌مانند» و «کیمیای بزرگی‌ها» از آن یاد شده است و به قول سعدی در
گلستان «هرکه را صبر نیست، حکمت نیست» (حسن لی، ۱۳۸۵: ۹۲).

۲-۳- ابعاد اخلاق کار از نظر پتی

۲-۳-۱- دلبستگی و علاقه به کار

لازمه آغاز هر کار، دلبستگی و عشق و علاقه به آن کار است. تربیت پذیرنده باید طالب
تربیت باشد و باید هوش و استعداد کافی نیز در وجودش یافت گردد، تربیت نامستعد ضایع
است (سعدی، ۱۳۹۳: ۶۷)، و اگر پس از مدتی در کلاس درس حاضر گردید و نتیجه‌ای از او
حاصل نشد، اصرار و الحاح در نشان دادن او در کلاس معلم، بیهوده خواهد بود «ناکس به تربیت
نشود کس، ای حکیم» (سعدی، ۱۳۹۳: ۶۸)، گفتمان سعدی به عنوان مصلحی اجتماعی
برای عالمی که علم خود را رها نماید و در عمل خود را وفادار نداند، همچون «زنبور بی
عسل است» (سعدی، ۱۳۹۳: ۳۴) و اگر گناهی از عالم سرزند در نگاه وی نابخشودنی است
و «سلاح جنگ با شیطان است که اگر خداوند سلاح را به اسیری برند شرمساری بیشتر
بررد» (سعدی، ۱۳۹۳: ۱۳۰). علمی موجب بلندی مرتبه است که بتواند راهنما و کارگشای
باشد و عالم را در جامعه و مردم عوام قیمت دهد. «و عمل از مضامین برجسته بسیاری از
پناه بردن به پروردگار از علم بی‌نفع نویسندگان، سرایندگان و دانشمندان قلمرو حکمت و
اخلاق است» سعدی، در جایگاه مصلحی اجتماعی، علم و عمل را ملزم و مکمل یکدیگر و
تنها راه رسیدن به سعادت دنیا و عقبی می‌داند. نتایج این تحقیق می‌تواند در حوزه تعلیم

و تربیت جامعه امروز به کار برده شود. پشتکار و جدیت در کار: پی‌گیری امور محوله تا حصول نتیجه؛ تلاش در جهت کسب مهارت در کار؛ دلسوزی و احساس مسئولیت نسبت به کار. پیدا بود که بنده به کوشش کجا رسد / بالای هر سری قلمی رفته از قضا / کس را به خیر و طاعت خویش اعتماد نیست / آن بی‌بصر بود که کند تکیه بر عصا (سعدی، ۱۳۹۷: ۹۸). هر که رنجی برد، گنجش شد پدید / هر که جدی کرد، بر جودی رسید / چون گرانی‌ها اساس راحت است / تلخ‌ها هم پیشوای نعمت است / هر که در قصری قرین دولتی است / آن، جزای کارزار و محنتی است (سعدی، ۱۳۹۷: ۲۰۸).

۲-۳-۲- روابط سالم و انسانی در محل کار

روابط سالم در محل کار، از امور مختلفی ناشی می‌شود که بی‌تردید یکی از آنها، شناخت جایگاه فرد در محیط کاری خویش است.

۲-۳-۳- روح جمعی و مشارکت در کار

عبارت است از دخالت مؤثر اعضای یک گروه یا جامعه (یا نمایندگان آنها) در تمامی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که به کل گروه یا جامعه مربوط می‌شود. همان به که لشکر به جان پروری / که سلطان به لشکر کند سروری (سعدی، ۱۳۹۳: ۳۷).

۲-۴-۲- اصول اخلاقی اسلام در بعد اخلاق کار

اهم اصول اخلاقی:

۲-۴-۱- سعه صدر در کار

ظرفیت داشتن در برابر سختی‌ها، ناملایمات و نیز فرصت‌ها، رفاه‌ها و امکانات.

۲-۴-۲- قاطعیت در کار

در تصمیم‌گیری، اجرا، تشویق و تنبیه، نظارت.

۲-۴-۳- نظم و انضباط در کار

نه عجله (شتاب)، نه فوت وقت؟ (وقت‌کشی)، نه تسویف (به فردا انداختن).

۲-۴-۴- حسن خلق در کار

یکی از دستورات مهم اجتماعی اسلام، خوش‌خلقی در کار است.

۲-۴-۵- ایمان به کار

اسلام شرط اساسی موفقیت در کار را ایمان به کار می‌داند و بر دوری جستن از شک و تردید و دودلی نسبت به کارها تأکید دارد. به تعبیر قرآن «یسبح لله من فی السموات والارض والطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه». ایمان مذهبی و اعتقاد راسخ سعدی به مبانی دینی از قصاید غرا در توحید و اشعاری که در بزرگداشت نبی اکرم صلی الله علیه

وآله سروده است، بروشنی پیداست. او در عالم عشق ورزی به «عشق محمد و آل محمد» بسنده می‌کند.

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمدصلی الله علیه وآله بس است و آل محمدصلی الله علیه وآله (سعدی، ۱۳۸۹: ۱۶).

۲-۴-۶- عقل و علم و عمل

سعدی دربارهٔ سختی راه علم و دانش صریح می‌فرماید: نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود/ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد/ هر کو عمل نکرد و عنایت امید داشت / دانه نکشت ابله و دخل انتظار داشت و در جای دیگر می‌گوید: شب گور خواهی منور چو روز / از اینجا چراغ عمل بر فروز / گروهی فراوان طمع ظن برند / که گندم نیفشانده خرمن برند / بر آن خورد سعدی که بیخی نشاند / کسی برد خرمن که تخمی نشاند (سعدی، ۱۳۸۹: ۷).

۲-۴-۷- نیت الهی در کار

اگر کسی نیت داشته باشد و تمام کارهای عبادی و غیر عبادی خود را با نیت نزدیک شدن به خداوند انجام دهد، تمام زندگی‌اش در راستای یک هدف و آن لقای الهی و وصول به محبوب عالم سامان دهی می‌شود و از این طریق به تمامی آرزوهای انسانی و الهی خود خواهد رسید و در غیر این صورت تمام زندگی او از مسیر صحیح خود خارج خواهد شد و به گمراهی و هلاکت خواهد افتاد.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی / این ره که تو می روی به ترکستان است (سعدی، ۱۳۹۳: ۹۳). ای هنرها نهاده بر کف دست / عیب‌ها گرفته زیر بغل / تا چه خواهی خریدن ای مغرور / روز درماندگی به سیم دغل (سعدی، ۱۳۹۳: ۸۸). کلید در دوزخ است آن نماز / که در چشم مردم گزاری دراز / اگر جز به حق می رود جاده ات / در آتش فشاند سجاده ات (سعدی، ۱۳۹۳: ۱۴۳). عبادت به اخلاص نیت نکوست / وگرنه چه آید ز بی مغز پوست؟ / چه ز نار مغ در میان، چه دلق / که در پوشی از بهر پندار خلق / مکن گفتمت مردی خویش فاش / چو مردی نمودی مختّش مباش / به اندازه ی بود باید نمود / خجالت نبرد آن که ننمود و بود که چون عاریت برکنند از سرش / نماید کهن جامه‌ای در برش / اگر کوتاهی، پای چوبین میند / که در چشم طفلان نمایی بلند / وگر نقره اندوده باشد نحاس / توان خرج کردن بر ناشناس / منه جان من آب زر بر پیشیز / که صراف دانا نگیرد به چیز / زر اندودگان را به آتش برند / پدید آید آنکه که مس یا زرنند. / به ایثار، مردان سبق برده اند / نه شب زنده داران دل مرده اند / کرامت جوانمردی و نان دهی است / مقالات بیهوده طبل تهی است / به معنی توان کرد دعوی درست / دم بی قدم تکیه گاهی است سست (سعدی، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

۲-۴-۸- عاقبت نگری

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هرگاه به کاری همت می‌گمارید، به عاقبت آن بیندیشید، اگر مایه رشد و سعادت یافتید پیگیری کنید، اگر موجب گمراهی و انحطاط تشخیص دادید از آن صرف نظر کنید».

هر که فریادرس روز مصیبت خواهد/ گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش / بنده ی حلقه به گوش ار نوازی برود / لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش (سعدی، ۱۳۹۳: ۵۶).

۲-۴-۹- سکوت‌گزینی

خاموشی و پرهیز از بیهودگی و سخن نابه‌جا از دیگر موارث اخلاقی و تربیتی شعر سعدی شیرازی است. او، معتقد است که افراد عاقل و اهل معنی (گوهر شناس) مگر در شرایط لازم لب به سخن نمی‌گشایند و زبان نیز که باز می‌کنند کلامی ارزشمند و پربار دارند. این شاعر گران‌سنگ قرن ۷ هجری، مردم را به تأمل و درنگ قبل از سخن گفتن فرا می‌خواند و می‌پندارد سخن و حاضر جوابی که از روی تدبیر و اندیشه نباشد ژاژ خاییدن است و بی‌ارزش و بی‌معنی: زبان درکش ای مرد بسیار دان/ که فردا قلم نیست بر بی زبان/ صدف وار گوهر شناسان راز/ دهان جز به لؤلؤ نکردند باز (سعدی، ۱۳۹۳: ۲۳۹).

۲-۴-۱۰- دقت در انجام کار

سعدی دقت را در «نظر کردن» جمع کرده است و اهمیت موضوع را گوشزد می‌نماید. نظر کن در احوال زندانیان / که ممکن بود بی گنه در میان (سعدی، ۱۳۹۱: ۵۱).

۲-۴-۱۱- مشورت در کار

مشورت کردن، پر و بال به اندیشه می‌دهد و نوعی دقت و ژرف نگری را باعث می‌شود و بهره بردن از شاخه افکار دیگران. هر که بی‌مشورت کند تدبیر/ غالبش بر غرض نیاید تیر/ بیخ بی‌مشورت که بنشانی/ بر نیارد به جز پشیمانی مشورت با نفس گر خود می‌کنی/ هر چه گوید کن خلاف آن دنی (سعدی، ۱۳۹۷: ۳۲۴).

سعدی شیرازی نیز در بوستان و گلستان خود اگر چه کمتر از واژه مشورت و شورا استفاده کرده، اما آن دو کتاب خویش را به گل «رأی و نظر» آراسته است. مشورت و تأمل در هر امری را نشانه رستگاری انسان می‌داند و براین عقیده است که مردم هشیار، زمام عقل را به دست هوای نفس نمی‌دهند چه در این صورت پشیمان خواهند شد.

۲-۴-۱۲- تعاون و همکاری

تعاون، روحیه اجتماعی را نیز تقویت و الفت و محبت را در بین افراد افزون می‌گرداند.

۲-۴-۱۳- تقوا و توکل در کار

سعدی، نفس آماره را دشمن خانگی و اصلی‌ترین می‌داند و چنین می‌گوید: تو با دشمن نفس همخانه ای / چه در بند پیکار بیگانه ای / عنان بازپیچان نفس از حرام / به مردی ز رستم گذشتند و سام / وجود تو شهری است پر نیک و بد / تو سلطان و دستور دانا خرد / همانا که دوان گردن فراز / در این شهر گیرند سودا و آز / رضا و ورع نیک‌نامان حر / هوی و هوس رهن و کیسه بر / چو سلطان عنایت کند با بدان / کجا ماند آسایش بخردان / ترا شهوت و حرص و کین و حسد / چو خون در رگ‌اند و جان در جسد / گر این دشمنان تربیت یافتند / سر از حکم و رای تو برتافتند / هوی و هوس را نماند ستیز / چو بیند سر پنجه عقل تیز (سعدی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

۲-۵- نظریه‌های اخلاق کار از دیدگاه هس مر

۲-۵-۱- قانون جاویدان

این قانون به عبارتی همان قانون رفتار متقابل است.

۲-۵-۲- تئوری سودمندگرا

بر اساس این دیدگاه، وقتی منافع یک عمل برای جامعه بیشتر از ضررهای آن باشد آن عمل اخلاقی است.

۲-۵-۳- وظیفه‌گرایی یا آغاز گرایی

بر اساس این دیدگاه هر عملی، به نیت فاعل مربوط است.

۲-۵-۴- عدالت توزیعی

یک عمل را در صورتی که منجر به افزایش همکاری بین اعضای جامعه شود می‌توان درست، عادلانه و اخلاقی نامید.

۲-۵-۵- آزادی فردی

شیخ اجل در بیتی به زیبایی این مفهوم را توضیح می‌دهد که: «هرکس به تعلقی گرفتار / صاحب نظران به عشق منظور» (سعدی، ۱۳۸۹: ۳۰۳)، و در بیت دیگر از یک وجهی متفاوت می‌گوید: «گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی / دوست ما را و همه نعمت فردوس شما» (سعدی، ۱۳۸۹: ۶)، گویی در بیت مذکور سعدی حامل این پیام است که فردی که تنها از حق پیروی کند به آزادی تام و تمام دست یافته و به معنای دقیق آزادانه زیست خواهد کرد چرا که دیگر خود را زیر سلطه و بندگی غیر حقیقت نمی‌بیند. به زبان دیگر انسان موحد در مسیر حقیقت حرکت می‌کند و در انتظار آن نیست تا رسانه‌ها و در مجموع جامعه، برای او تعیین تکلیف نمایند.

۲-۶- آثار اخلاق کار اسلامی بر عملکرد کارکنان

۲-۶-۱- افزایش سود و مزیت رقابتی

سازمان‌ها، با فرهنگ‌های اخلاقی قوی، این پیام را القا می‌کنند که به خوبی اداره شده و در دارائی‌های انسانی خود، سرمایه‌گذاری مناسبی انجام داده‌اند که این امر موجب افزایش اعتبار و شهرت آنها شده و نهایتاً موجب ایجاد مزایای مالی برای آنها شده است.

۲-۶-۲- کاهش هزینه‌های ناشی از کنترل

اخلاق کار، چالش مهندسی نوین است که با بهبود آن، می‌توان تعداد لایه‌های مدیریتی را کاهش داد.

۲-۶-۳- بهبود روابط، افزایش جوّ تفاهم و کاهش تعارضات

افزایش جوّ تفاهم و کاهش تعارضات بین افراد و گروه‌ها، عملکرد تیمی را بهبود می‌بخشد. راه حل این کار، تصمیمات در مورد اقدامات منابع انسانی بر پایه‌ی عدالت و اخلاق است.

۲-۶-۴- افزایش مشروعیت سازمان و اقدامات آن

امروزه در شرایط شبکه‌های گسترده‌ی اطلاعاتی، از سازمان‌ها انتظار می‌رود در مقابل مسائل محیط زیست، رعایت منافع جامعه و حقوق اقلیت‌ها، حساسیت داشته و واکنش نشان دهند (رحیم نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰).

۲-۶-۵- افزایش تعهد و مسؤولیت‌پذیری بیشتر کارکنان

لازمه‌ی عملکرد مناسب، تعهد و مسؤولیت‌پذیری است. نتیجه‌ی رفتار عادلانه و منصفانه منجر به کیفیت انجام کار و مدیریت زمانی بهتر می‌شود.

۲-۷- آثار عدالت فردی رعایت اخلاق کار اسلامی

کرامت انسانی، همواره در کانون توجه اندیشه‌ورزان بشری بوده است. این مهم در تمام ادیان توحیدی مورد تأکید قرار گرفته و در حقیقت کوشش تمام پیامبران الهی و پیشوایان دینی برای دفاع و حفاظت از کرامت ذاتی انسان بوده است. در نظر قرآن کریم هر آنچه باعث تکریم و علوّ جایگاه انسان کامل در قوس نزولی وجود است، موهبتی است؛ یعنی همه فضل خداوندی است و اراده و اختیار در ایجاد آن نقشی ندارد؛ بلکه به طریقه انعام و افاضه از جانب خداوند سبحان به او عطا شده است (رمضانی و آذربایجانی، ۱۳۹۳: ۲۳۸). از دیدگاه قرآن، کرامت انسان، به عنوان اصل آفرینش در نظر گرفته شده و کرامت در سرنوشت انسان تنیده شده است. یکی از شاخص‌ترین آیات در زمینه کرامت انسانی، «و لقد کرّمنا بنیّادَم» (اسراء، ۷۰)، بنابراین انسان صاحب حق است و به این دلیل دارای حرمت

و کرامت است. در این مفهوم، کرامت بر نوعی ارزش ذاتی دلالت دارد که به طور برابر به همه انسان ها متعلق، و این ارزش لازمه وجودی ماهیت انسانی است و در حقیقت در ذات بشر وجود دارد و دائمی و غیر قابل تغییر است (صیادی و ثقفی، ۱۳۹۶: ۴۶).

۲-۸- آثار اجتماعی رعایت اخلاق کار اسلامی

در مقابل عدالت فردی به کار برده می شود؛ اما مغایر با آن نیست؛ عدالت فردی در هر جامعه ای زمینه و بستری مناسب برای محقق شدن و برقراری عدالت اجتماعی است. در هر محیطی اگر به شایستگی، استحقاق و توانایی افراد توجه داشته باشیم قطعاً محیطی آکنده از اخلاق و اخلاق مداری خواهیم داشت.

۳- نتیجه گیری

یکی از اصول اخلاقی سعدی «مصلحت اجتماعی» است، اساس تأثیرپذیری سعدی از قرآن، استفاده مستقیم از آیات نیست بلکه او، مفاهیم آموزه های قرآن را در آفرینش فضای اشعار و حکایات به کار می گیرد و می توان گفت که بیان هنری سعدی بیش از هر چیز دیگر، مدیون قرآن است. در واقع، الگوی اصلی سعدی در آثارش قرآن است و بهره گیری از تلمیح های ادبی و اشاره های مستقیم و غیر مستقیم به آیات و مفاهیم قرآنی از ویژگی های سخن سعدی است و توجه وی به آیات قرآن، بهره گیری از نوعی حکمت شرعی و نبوی است. سعدی، از آیات و احادیث معصومین (ع) بصورت های گوناگون: اشاره، تلمیح، اقتباس، تحلیل، تضمین، تمثیل و اخذ لغات و اصطلاحات قرآنی و حدیثی در ابیات و اشعار خود استفاده کرده است. در واقع می توان گفت، همه جا، سعدی، با قرآن و قرآن با سعدی است. این آمیختگی هنرمندانه وی سبب شده که تعیین حد و حصر دقیق تأثر او از قرآن بسیار مشکل و حتی محال باشد. استفاده از مضامین و مواد قرآنی در آثار و اندیشه سعدی آن چنان در شعر و اندیشه وی تنیده که از یک آمیزه خارجی در گذشته و خود جزیی از عنصر و پیکره اصلی او شده است.

نوآوری های پژوهش حاضر، سعدی در گلستان خویش، در باب «عدالت پیشگی» به گونه ای «نظریه پردازی» نموده است و این تازه گویی را در تعریف «عدالت» آشکار کرده است آنجا که می فرماید: عدالت، تساوی افراد از لحاظ نوع استحقاق و توانایی های آنهاست یا تشبیه آن به اعضای بدن انسان و رهبری آن به خردمندان قابل تأمل است. در باب «صداقت» نوع نگاه تازه سعدی در ترجیح دادن «دروغ مصلحت آمیز» بر «راست فتنه انگیز» است و در باب «سعه صدر» می فرماید هر که را صبر نیست، حکمت نیست و اینکه

صبر و حکمت را همسنگ دانسته است و در باب «مشورت»، اشاره‌ی دقیق و پرتکراری راجع به مشورت ندارد اما به جای آن «رأی و نظر» را ذکر می‌کند. در این پژوهش که مؤلفه‌های اخلاقی را در قرآن و مجموعه آثار سعدی مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم به این نتیجه رسیدیم که آنچه در فرهنگ، اجتماع و ادبیات ما خاصه، ادبیات تعلیمی، جریان دارد برخاسته از سنت و حدیث و آموزه‌های دینی است.

منابع

- ۱- اطهری، زینب السادات؛ نصر، احمد رضا و سبکتکین، مریم (۱۴۰۰). **اخلاق معلمی و ویژگی‌های تدریس از منظر قرآن و روایات. بصیرت و تربیت اسلامی**، انتشارات قطره.
- ۲- جابانی، محمد (۱۳۸۷). **تربیت اخلاقی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدف.
- ۳- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۷). **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**، مترجم: محمد دشتی، جلد ششم، تهران: انتشارات الهادی.
- ۴- حسن لی، کاووس (۱۳۸۵). **فرهنگ سعدی پژوهی**، تهران: ناشران مرکز سعدی‌شناسی، بنیاد فارس‌شناسی.
- ۵- حجتی، سید محمدباقر (۱۳۹۶). **آداب تعلیم و تعلم در اسلام**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- حسین زاده، اکرم و تقی زاده، محمداحسان (۱۳۹۸). **اخلاق اسلامی**، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۷- رحیم نیا، فریبرز؛ قره باغی، نسترن؛ ملایی، زهرا و بهپور، الهام (۱۳۹۸). «ارائه مدلی مفهومی به منظور بررسی رابطه اخلاق کاری و معنویت بر کارآفرینی و عملکرد سازمانی»، **اولین کنفرانس سالانه مدیریت**، نوآوری و کارآفرینی، شیراز.
- ۸- رمضانی، احمد و آذربایجانی، مهدی (۱۳۹۳). **اخلاق اسلامی**، قم: نشر معارف.
- ۹- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). **لغت نامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۹). **غزلیات**، تصحیح حسن انوری، تهران: ناشران کومه، نگاران قلم.
- ۱۱- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۹۱). **بوستان**، تصحیح و توضیح خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات همراه.
- ۱۲- سعدی، مصلح الدین (۱۳۹۳). **گلستان**، تصحیح محمد خزائلی، تهران: انتشارات طبع و نشر.

- ۱۳- سعدی، مصلح الدین (۱۳۹۷). **کلیات سعدی**، تصحیح و توضیح محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات یاقوت کویر.
- ۱۴- سلیمانی، نادر؛ عباس زاده، ناصر و نیازآذری، بهروز (۱۳۹۰). «رابطه اخلاق کار با رضایت شغلی و استرس شغلی کارکنان در سازمان آموزش و فنی حرفه ای شهر تهران»، **رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۱-۳۸.
- ۱۵- شریف زاده، فتاح (۱۳۹۱). «تجزیه و تحلیل عوامل سازمانی مؤثر بر اخلاق کار در سازمان های عمومی»، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، دوره ۷، شماره ۱، صص ۲۸-۳۹.
- ۱۶- صادقی، محمد و اشرفی، مریم (۱۳۹۵). **اخلاق کار**، رستگاری مدیریت کارکنان و سازمان، همایش ملی کسب و کار، همدان.
- ۱۷- صیادی، عباس و ثقفی، رضا (۱۳۹۶). «بررسی تاثیر اخلاق مدیریتی بر تعهد سازمانی کارکنان اداره کل امور مالیاتی استان همدان» **فصلنامه تخصصی مالیات**، دوره ۴، شماره ۱، صص ۴۶-۷۱.
- ۱۸- مسعودی، شکوفه (۱۳۹۳). «بررسی رویکردهای عدالت آموزشی». **همایش کشوری آموزش علوم پزشکی**، دوره ۹، شماره ۱۵، صص ۳۷-۵۶.
- ۱۹- مشایخی پور، محمد علی (۱۳۹۰). «مبانی اخلاق کار از دیدگاه امام علی(ع)»، **فصلنامه مدیریت اسلامی**، دوره ۱، شماره ۱، صص ۳۷-۶۶.
- ۲۰- میلر، کریستین (۱۴۰۰). **کتاب در آمدی بر نظریه اخلاق هنجاری و فرااخلاق**، مترجم محسن اسلامی، چاپ سوم، تهران: انتشارات آن سو.
- ۲۱- معیدفر، سعید (۱۳۸۰). «اخلاق کار و عوامل مؤثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی»، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۳۲۱-۳۴۱.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). **اخلاق در قرآن**، چاپ اول، قم: انتشارات قم.